

بزرگ عارف و شاعر سمنان علاءالدوله

دکتر ابوالقاسم رادفر

احمد بن محمد بن احمد بیابانکی سمنانی از لحاظ مقام دینی ملقب به رکن الدین و به مناسبت خدمات ایام جوانی اش در دستگاه دیوانی به علاءالدوله ملقب شد. کنیه وی را ابوالمکارم نوشته‌اند.

محققان، مورخان و تذکره‌نویسان بیشتر به واسطه قطبیت و ارشادش وی را شیخ و بعضی به مناسبت اصطلاح رایج فرقه صوفیه او را «شاه علاءالدوله»^(۱) و برخی به علت ثروت و قدرتش «امیر علاءالدوله»^(۲) و عده‌ای از نظر شخصیت خانوادگی وی را از «ملوک سمنان»^(۳) شمرده‌اند.

تولد او را در ذیحجه سال ۶۵۹ هجری قمری نگاشته‌اند. تحصیلات ابتدایی او در مکتب محلی بیابانک بوده است. و تا سن پانزده سالگی چیزهایی از اقسام علوم عقلی و نظمی آموخته بود که به ملازمت عم خود ملک جلال الدین (از وزرای ارغون خان مغول) در دستگاه ارغون وارد شد و به تدریج مقرب گردید اما خدمت دیوانی وی چندان نیابید و جذبات حق در رسیدن کلاه و سلاح بینداخت و در راه صلاح آمد، سبحه و سجاده برگرفت و به توبه و انابه ایستاد. اما خدمت ارغون را ترک نگفت تا سال ۶۸۵ هجری که به واسطه عارضه کسالت، خدمت دیوان را ترک و به موطن خود بازگشت. او خود در این باره نوشته است:

«نیمه شعبان ۶۸۵ به مرضی صعب دچار شدم... به اذن سلطان... روز ۱۶ شعبان از تبریز به عزم سمنان درآمدم چون به اوجان رسیدم، آن مرض سخت از من برفت، دریافتم که از برکات ترک محبت ایشان امیدی حاصل آمد زیرا سلطان بت پرست بود و من تا آن اوقات صمد را نگاه و در خدمت صنم پرستی صرف عمر کرده بودم.»

در ۲۶ سالگی تحصیل عالی را آغاز کرد: ادبیات عرب را نزد سید اخفش، علم فقه را نزد سید تاج‌الدین آموخت. و حدیث را از رکن‌الدین صائن و رشید بن ابی‌القاسم استماع کرد؛ و اجازه روایت گرفت.^(۴)

سیر و سلوک عرفانی علاءالدوله از کناره‌گیری از خدمات دیوانی و انفاق و تطهیر اموالش آغاز شد و با تحصیلات علوم عالی اسلامی و مطالعه کتب صوفیه مایه گرفت. همچنان که گفته است:

«مدت‌ها بنای سلوک خویش را بر وفق کتاب قوت‌القلوب ابوطالب مکی (م ۳۸۶هـ) و احیاءالعلوم غزالی (م ۵۰۵هـ) نهاده با این همه اثری حاصل نشد». (نقل از العروة لاهل الخلوۃ و الجلوۃ که تمام جزئیات را شرح داده است.) تا که سید شرف‌الدین سعدالله بن حنویه سمنانی که مأمور شیخ عبدالرحمن اسفراینی در حدود خراسان بود به سمنان رسید و صبح دولت علاءالدوله طالع شد. آتش شوق درونی وی را شعله‌ور ساخت و غیباً از مریدان قطب وقت شد و به فرمان وی گردن نهاد.

خود در کتاب العروة نوشته است: پس از چندی به شوق زیارت قطب زمان و مرشد کامل، عزیمت بغداد کرد اما فرستادگان ارغون‌خان که بدین مسافرت اجازه نداده بود، او را از همدان باز گردانیدند.

سرانجام در بیست و هشت سالگی (سال ۶۸۸ به عقبه بوسی پیر خویش و سلوک و استفاضه از محضر نورالدین عبدالرحمن اسفراینی نایل آمد.

وی پس از اعتکاف در مسجد خلیفه، بعد از عید فطر با اشارت پیر و استادش برای اولین بار سفر حج گزارد و طریق «سیر الی الله» را از مناسک حج آموخت و در آخر محرم ۶۸۹ به بغداد بازگشت و در خانقاه اسفراینی مقیم گشته مدت دو سال تمام تحت نظر مراد و قطب زمان خویش به مجاهده پرداخت و به اربعین نشست، چنانکه باز خود در کتاب العروة نوشته است:

«آخر محرم ۶۸۹ پس از زیارت به بغداد بازگشتم. شیخ بعد از ماه صفر در شونیزیه مرا تلقین نمود و در خلوت سری سقطی که فوق خلوت جنید است، امر به جلوس فرمود...»

از امتیازات این اربعین بغداد علاوه بر نظر پیر "که خود به از صد چله" است. آن است که شیخ خود در چهل مجلس (رسالة اقبالیه) فرمود: "شیخ مرا در خلوت سری سقطی بشاند و خود برفت. بعد از چند روزی می بینیم که حجاب از پیش برخاست..."

وی در تمام طول عمرش (۷۷ سال) دویست و هفتاد اربعین به سر آورده است.

بالجمله شیخ پس از یک سال و اندی که در تحت نظر مستقیم پیرش تربیت یافت، قابلیت ارشاد و تکمیل دیگران را به دست آورده در سال ۶۸۹ از بغداد به سمنان بازگشت و بساط خانقاه سگاکیه^(۵) را رونق داد و بر مسند ارشاد نشست و به تکمیل مقامات معنوی خویش و ارشاد خلایق پرداخت.

شیخ غیر از مسافرت بغداد و انجام مناسک حج مسافرت های دیگری کرد

که چگونگی و تاریخ دقیق آن چندان روشن نیست.

از سفر او به سلطانیه نیز ذکری شده، او در آنجا با شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی (۷۳۵ - ۶۵۰هـ) و آیه الله علامه حلّی (۷۲۶ - ۶۴۸هـ) فقیه و دانشمند شیعی مذهب، ملاقات کرد. سفر دوم وی هم به سلطانیه به دعوت امیر چوپان و برای اصلاح بین او و ابوسعید پادشاه خراسان به سن ۶۸ سالگی و در سال ۷۲۷ هجری سومین حج را به سن ۷۳ سالگی در سال ۷۳۲ به اتفاق اصحاب خاص خویش انجام داده است. مشایخ معروف و شاگردان علاءالدوله، همانند سایر اقطاب معمولاً دوازده تن و عبارتند از:

الف- شیخ محمود مزدقانی - قطب بلافاصل علاءالدوله

ب- اخی علی مصری (مقیم شام)

ج- شیخ عبدالله گرجستانی

د- شیخ عبیدالله بیدآبادی

هـ- ابوالبرکات شیخ تقی دوسی سمنانی

و- شیخ نجم الدین محمد اردکانی

ز- اخی محمد دهستانی

ح- شیخ عبدالکریم زرین کمر سمنانی

ط- شاه علی فراهی

ی- جلال الدین سجستانی (سیستانی)

سجستانی از مقربان علاءالدوله است که سخنان وی را (از فطر تا عید

قربان) در چهل مجلس یا رساله اقبالیه تألیف کرده است.^(۶) که مذیل به رساله فوائد

است.

دیگر ابوالعطا کمال‌الدین محمود بن علی مرشدی کرمانی معروف به «خواجوی کرمانی» از مشاهیر مریدان علاءالدوله است که پس از تحصیلات در زادگاه خود، به سیر و سیاحت پرداخت تا خدمت علاءالدوله رسید و از تربیت عرفانی برخوردار گردید. مدتها مقیم صوفی آباد بود و به جمع‌آوری اشعار پیر مرشدش سرگرم بود. وی همان شاعر معروفی است که لسان‌الغیب خواجه شیراز درباره‌اش سروده است:

«استاد سخن سعدی است پیش همه کس اما

دارد سخن حافظ، طرز سخن خواجو»

او درباره پیر و مرادش گفته است:

هرکه به ره علی عمرانی شد چون خضر، به سرچشمه حیوانی شد
از وسوسه و غارت شیطان وارست مانند علاءالدوله سمنانی شد
دیگر جمال‌الدین سلمان، فرزند خواجه علاءالدین محمد ساوجی است.

خواجه حافظ مقامات فضل او را ستوده و درباره او گفته است:

سرآمد فضلی زمانه دانی کیست

ز راه صدق و صفائی ز راه کذب و گمان

شهشه فضلا، پادشاه ملک سخن مطالعات فریبگی

جمال ملت و دین خواجه جهان سلمان

شیخ علاءالدوله درباره سلمان گفته است: «همچو انار سمنان و شعر

سلمان در هیچ جا نیست»^(۷).

در باب سال وفات وی اختلاف نظر است. دکتر صفا نوشته است: «به هر

تقدیر وفاتش رادر برج احرار صوفی آباد نوشته‌اند، به تاریخ شب جمعه بیست و دوم

ماه رجب سال ۷۳۶ هجری^(۸).

در حالی که صاحب ذهبیه ۷۶۹ و رضازاده شفق ۷۷۸ هجری و دیگران تاریخ‌های دیگر ذکر کرده‌اند^(۹).

تاریخ وفات شیخ را در قطعه زیر آورده‌اند:

تاریخ وفات شیخ اعظم	سلطان محققان عالم
رکن حق و دین علاءالدوله	بر مسند خود نشسته خرم
بیست و دوم مه رجب بود	اندر شب جمعه مکرم
از هجرت خاتم النبیین	هفتصد بگذشت سی و شش هم

تذکره دولت‌شاه سمرقندی ماده تاریخ دیگری آورده:

تاریخ وفات شیخ (ابدال) یک نقطه گذار بر سر دال

و نیز "جام او باد بهشت" را ضبط کرده است.

مقبره علاءالدوله در همان مولد و مقر اجدادی وی (صوفی آباد بیابانک

سمنان) در حظیره عمادالدین عبدالوهاب است.^(۱۰)

آثار و تألیفات علاءالدوله سمنانی

آثار علاءالدوله به فارسی و عربی در موضوعات حدیث، تفسیر، عرفان و تصوف است. ابن حجر عسقلانی در کتاب الدرر الکامنه از قول ذهبی نقل کرده است که: مصنفات این عارف ذهبی مسلک "زائد بر سیصد می‌باشد". در صورتی که خود شیخ گفته است: هزار طبق در راه و رسم تصوف سیاه کرده‌ام. بسیاری از بزرگان، کلمات و آثار او را ضبط و نقل کرده‌اند.

عده‌ای هم کتاب‌های خاصی مشتمل بر حالات و مقامات، گفتار و مقالات

او ساخته و پرداخته‌اند.

* مبحث اول: شعر علاءالدوله سمنانی

علاءالدوله هم گاه‌گاه اندیشه‌های عرفانی و افکار فلسفی خود را در قالب وزن و قافیه می‌ریخت. از روی قراین می‌بایست که او دارای اشعار زیادی باشد که شاعر بلندپایه‌ای چون خواجه‌ی کرمانی، بخشی از عمر خود را صرف جمع‌آوری آن کرده باشد.

با این همه مجموعه‌ای منسجم از اشعار و دیوان آثار منظوم وی به دست نیامده است. تنها در مآخذ مختلف ابیات معدودی از غزل و رباعی به او نسبت داده‌اند.

چهارمین خلیفه بعدی این قطب (شادروان مرحوم و حیدالاولیاء) در رساله کمالیه خود تعداد نه غزل که در آنها به (علاء) و (علائی) تخلص شده، نقل کرده است:

اینک برای نمونه بخشی از یک غزل و یک رباعی او را نقل می‌کنیم:

راحت از خواهی بیا با درد او هم‌راز شو

دولت از جویی برو در عشق او جان‌باز شو

ساز راه عشق سربازی و بدنامی بود

گر سر این راه داری در پی این ساز شو

برتن و جان چند لرزی چون نیرزی ارزنی

صعوه با ارزن گذار و بر درش شهباز شو...

قفل این در شد علائی و کلید آن نیاز
گر نیازی داری آنجا بر سریر ناز شو

ماه رویا روی پنهان می‌کنی دل بپردی، غارت جان می‌کنی
از غم و اندوه ما باکیت نیست هر چه خوش می‌آیدت آن می‌کنی

آثار و تألیفات عربی یا فارسی

در مآخذ و منابع پیرامون علاءالدوله سمنانی آثاری را ذکر کرده‌اند که ما از آنها درمی‌گذریم و فقط آثاری را که دیگران کمتر بدان پرداخته‌اند، می‌آوریم:

دو رساله *التصوف فی آداب الخلوۃ و رساله فی الفتوة* و نیز آثاری دیگر به نام‌های *مصایح الجنان*، *مقالات موارد الشوارد*، *نجم القرآن*، *الفتح المبین لاهل الیقین*، *فرحة العاملين و فرجة الکاملین* و نیز کتاب *فصول الاصول یا فصول فی الاصول* که به مالابدمنه معروف است و آن را به نام و برای عبداللّه بن احمد بن محمدنبی غربستانی (احتمالاً همان شیخ عبداللّه گر جستانی) از اصحاب خود نوشته است.

تذکره دولت‌شاه سمرقندی رساله‌ای به نام *مفتاح* را که گویا در اواخر عمر تألیف کرده، به وی نسبت داده است.

خواندمیر در *حبیب‌السیر*، و جامی در *نفحات الانس*، کتاب *مکاشفات* را از او می‌دانند.

علاءالدوله در رساله *تسرالبال* خود کتاب *ذکر الخفی المستجلب الاجر الوفی* را از تألیفات خویش نام برده است.

ابن رافع سلامی (م ۷۷۴هـ) در کتاب *منتخب‌المختار*، شرح مختصری بر

السنة بغوی را به علاءالدوله نسبت داده است. و ابن حجر نیز در کتاب الدرر الکامنه کتاب مدارج المعارج را از علاءالدوله دانسته است.

آقا شیخ عباس قمی در کتاب هدیه الاحباب کتاب قواعد العقاید را نام برده و از علاءالدوله دانسته است.

نام رساله شرح الکبریت الاحمر لشیخ علاءالدوله سمنانی هم یک مورد و بدون مأخذی ذکر شده است.

تألیفات عربی علاءالدوله

از تألیفات به زبان عربی علاءالدوله پنج تألیف به نظر رسیده است که عبارتند از:

مطلع النقط و مجمع اللقط:

تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن مجید به عربی و مشرب عرفان تحریر و تألیف شده است. موضوع این کتاب تفسیر سوره‌های «فاتحة الكتاب، طور، نجم، قمر، الرحمن، واقعه، حدید، مجادله، ممتحنه، جمعه تا آخر قرآن است.»

مؤلف برای آشنایی خواننده قسمت اول را مخصوص به مصطلحات عرفانی کرده و کلید مطالعه این کتاب را به دست داده است.

روش مؤلف در این تفسیر مانند سایر مفسرین بحث الفاظ ظاهری و تحقیق در متشابهات و محکّمات قرآن نبوده و متفاوت است.

تفسیر مدارج السالکین (نثر عربی)

در کتب تفاسیر خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابی به این نام موجود است. این کتاب تنها تفسیر سوره «فاتحة الكتاب» است که بعد از بسمله با این

جمله آغاز شده است:

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين... الخ

تفسیر عوارف

نسخه خطی این تفسیر به خط یکی از شاگردان علاءالدوله است که سال ۲۲ قبل از ارتحال شیخ در صوفی آباد، فوت کرده است.

کتاب مشارع ابواب القدس و مراتع الانس (نثر عربی)

از کتب معتبر و مسلم علاءالدوله سمنانی این کتاب است که نسخه نفیس و شاید منحصر به فرد آن را جناب سید حسن شهشهبانی، وزیر سابق دادگستری و کشور دارند. این نسخه اصلی، به خط مؤلف استنساخ شده و در روز شنبه ۱۶ رمضان سال ۹۱۵ در اصفهان پایان یافته است. (۱۱)

موضوع این کتاب حکمت و کلام است که به مذاق اهل عرفان تربیت یافته باشد.

رسالة مناظر المحاضر لناظر الحاضر (نثر عربی)

این کتاب به مناسبت واقعه غدیر خم و اثبات وصایت و امامت حضرت مولی الموالی علی (ع) در سال ۷۱۳ هجری تألیف شده است.

طرح این کتاب بر نقل احادیث و اخبار مأثور غدیر خم ریخته شده و از آثار اصیل و مسلم علاءالدوله است؛ زیرا پایان نسخه بدین امر تصریح دارد.

تالیفات و آثار فارسی علاءالدوله

از تالیفات فارسی این مؤلف شش اثر موجود است؛ و به نظر می‌رسد:

جواب به مکتوب شیخ عبدالرزاق کاشانی

این مکتوب و جواب آن را جامی در کتاب *نفحات الانس* چاپ کرده است.

رسالة سر البال فی اطوار سلوک اهل الحال

این رساله فارسی که موضوع آن مراتب سیر و سلوک و مقامات سلوک و اوراد و اذکار مناسب مقامات عرفانی است، در سال ۷۰۱ هجری تصنیف شده است.

رسالة سلوة العاشقین

موضوع این رساله چنانکه از خطبه اولیه اش برمی آید در معنی تصوّف و بیان صفت صوفی است. طرح این رساله بر حدیث "التصوّف علی اربعة احرف..." ریخته شده است.

رسالة بی نام

موضوع این رساله که نام آن معلوم نیست، تحقیق در تجلیات انوار قلبی سالک است.

کتاب العروة لاهل الخلوّة و الجلوّة

موضوع این کتاب نفیس، اثبات وجود حق، توفیق دادن اقوال مختلفه در الهیات، موازنه بین عالم صغیر و کبیر، ابطال عقاید اتّحاد و حلول و تناسخ، اثبات حقیقت نبوت، بیان صراط المستقیم ولایت، تعدیل افراط و تفریط جبر و اختیار، تحقیق در امر بین الامرین... و غیره است. طرح این کتاب بر ابواب و فصول ریخته شده است.

روش مؤلف در تألیف این کتاب تحقیق مبانی حکمت الهی بر مشرب اهل عرفان است. این اثر بسیار عالی در ۴۲ سالگی مؤلف (سال ۷۰۱ هـ) تألیف شده است.

فصول الاصول یا فصول فی الاصول «رساله لا بُد منه»

بر اساس نسخه متعلق به کتابخانه مسجد ایاصوفیه نام اصلی کتاب فصول الاصول یا فصول فی الاصول است که شیخ آن را به نام شاگرد و مرید کامل خویش، عبدالله بن محمد بن احمد غرجستانی به رشته تحریر آورده است. موضوع این رساله واجبات احکام اسلام است که از طهارت نماز، روزه، حج، و جهاد و... (۱۲) و دیگر واجبات و برخی از مندوبات، به طریق ظاهر شریعت و باطن طریقت در آن بحث شده است. فهرست و معرفی سایر آثار شیخ علاءالدوله سمنانی را می توان از کتاب چهل مجلس، (۱۳) تحریر امیر اقبال سیستانی به دست آورد.

اعتقاد و نظریه های شیخ

از آثار شیخ برمی آید که: شیخ در تصوف معتقد به اعتدال بوده و اجرای احکام دین و انطباق آنها با اصول تصوف را مورد توجه قرار می داده و در این راه سخت گیر بوده است. وی در مخالفت با معتقدان وحدت وجود به ویژه با ابن العربی راه مبالغه پیموده و چنین اعتقادی را راهنمایی به کفر و گمراهی می شمارد... در علو نفس و بخشش و نیکوکاری و صراحت لهجه و حسن اعتقاد در عهد خود بی نظیر بود... (۱۴)

پی نوشت ها:

۱- تذکره آشکده آذر

۲- مجالس المؤمنین

- ۳- ذهبیه تصوّف علمی - آثار ادبی، اسدالله خاوری، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۳۴.
- ۴- همان، ص ۲۳۶.
- ۵- خانقاه سکاکیه به نام شیخ حسن سکاکی (سبحانی) سمنانی است. از زندگانی او اطلاع صحیحی نداریم. امّا مسلماً وی از عرفای بزرگ قرن ۵ و ۶ هجری و از مریدان شیخ حسن بوده است. که با شیخ عبدالله جوینی صحبت داشته. این خانقاه را خود علاءالدوله در هنگام تزکیه اموالش از پول ردّ مظالم تعمیر نموده، و بر آن املاکی وقف کرده است. (نقل از نفحات الانس). گویند هنوز هم آثاری از آن خانقاه و محلّ سکاکیه باقی است...
- ۶- چهل مجلس شیخ علاءالدوله سمنانی، تحریر امیر اقبال سیستانی، به اهتمام عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۵۸.
- ۷- ذهبیه، ص ۲۴۲.
- ۸- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۸۰۷.
- ۹- ذهبیه، ص ۲۴۲.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان، صص ۴۷۶-۴۷۷.
- ۱۲- ذهبیه، ص ۴۸۳.
- ۱۳- همان، صص ۴۸۴-۴۸۸ به اختصار.
- ۱۴- چهل مجلس، صص ۲۵، ۳۳.
- ۱۵- همان، صص ۲۱-۲۰.